

## معرفی مرآة الاسرار

### ♦ نور اشرف

تذکره‌نویسی در شبه قاره هند در عهد سلاطین غزنوی آغاز شد، همان عهدی که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی و ادبی در این کشور رایج شد. این نهضت تذکره‌نویسی که با دستور زبان‌نویسی و فرهنگ‌نویسی ادامه یافت، در شبه قاره سهم بزرگی را در پیشرفت و توسعه زبان و ادب فارسی ایفا نموده است. تذکره در لغت به معنی یادآوری، یادگار، یادداشت و گذرنامه است و در اصطلاح کتابی است که در آن شرح احوال و زندگی‌نامه‌های مشاهیر اعم از شاعران، نویسندگان، امیران، وزیران، علما، فقها، ادبا و دانشمندان نوشته شده باشد.

قدیمی‌ترین تذکره فارسی به نام «لباب‌الالباب» تألیف محمد عوفی است، و خود عوفی نیز در پایان فصل دوم کتاب ادعا کرده که «لباب‌الالباب» اولین کتاب در طبقات شعرای فارسی زبان است. ولی باید توجه داشت که دو کتاب دیگر که هر دو شبیه به تذکره است قبل از «لباب‌الالباب» نوشته شده است: یکی «مناقب‌الشعراء» تألیف ابی طاهر الخاتونی که در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری می‌زیسته است و دیگر «چهار مقاله» نظامی عروضی سمرقندی که در حدود ۵۰۵ هجری تألیف شده است. با این حال اولین تذکره مستقل فارسی کتاب «لباب‌الالباب» عوفی است که از نظر تاریخی و ادبی اهمیتی بسیار دارد. این کتاب در ۶۱۸ق در شهر مولتان تنظیم و تألیف شد. دومین تذکره فارسی «الشعراء» دولت شاه سمرقندی است که در ۸۹۲ق تألیف شده است.

نخستین تذکره‌های تاریخی دوران مغول «تذکره همایون و اکبر» اثر بایزید بیات است

که ذکر عهد پادشاهی همایون و اوایل حکومت اکبر است. در دوره گورکانیان تذکره‌های معروف چون «مآثر رحیمی»، «تذکره میخانه»، «خزانه عامره»، و «مرآ الخیال» در هند تألیف شد. تذکره‌های دیگر در دوره اکبر مانند «نفیس المآثر» و «بزم‌آرا» و «  
و غیره ذکر شعرای زمان اکبرشاه را کرده‌اند. بعد از اکبر فرزندش نورالدین محمد جهانگیر دومین پادشاه سلسله بابرین بود که در زمان وی شعر و ادب فارسی خیلی رونق داشت و شرح مفصل شعرای زمان وی در «هفت‌اقلیم» و «عرفات العاشقین» و «میخانه» و «تاریخ جهانگیری» و «مجمع الشعرای جهانگیرشاهی» آمده‌است. حتی پس از جهانگیر، فرزندش شهاب‌الدین محمد شاه‌جهان نیز زبان و ادبیات فارسی را در سراسر هندوستان رایج کرده و «طبقات شاه‌جهانی» و «شاه‌جهان‌نامه» و «خزینة گنج الهی» و «لطایف الخیال» و «کلمات الشعراء» و «مرآ الخیال» اسامی اکثر شعرای زمان شاه‌جهان را ذکر کرده‌اند. شاهزاده محمد داراشکوه نیز کتاب‌های معروفی مثل «  
اولیاء»، «  
اولیاء»، «رسالة حق‌نما» و «مجمع البحرين» و «حسنات العارفين» را تحت عنوان و شیوه تذکره نوشته است. مقاله حاضر در معرفی یکی از تذکره‌های عرفا به نام «  
تألیف شیخ عبدالرحمان چشتی است که یکی از پیشوایان سلسله چشتیه در هندوستان بوده و در عهد شاه‌جهان زندگی می‌کرده است.

### مرآ الاسرار

مرآ الاسرار تذکره‌ای در احوال صوفیه و عرفا است که مؤلف تألیف آن را در سال ۱۰۴۵/۱۶۳۶م. آغاز کرد و در سال ۱۰۶۵/۱۶۵۴م. به اتمام رساند. مؤلف این کتاب شیخ عبدالرحمان چشتی صابری عباسی العلوی است. مؤلف از ۲۷ کتاب برای تألیف این تذکره استفاده کرده است که عناوین آن‌ها در زیر می‌آید:

جواهر التفسیر، تفسیر حسینی، الاحباب، کشف المحجوب، انیس الارواح، دلیل العارفين، فواید السالکین، راحت القلوب، افضل الفواید، فواید الفؤاد، سیر الاولیاء، صفات العارفين، مناقب الاولیاء، لطایف اشرفی، تذکر الاولیاء، جامع العلوم، مرا العارفين، الصفا، حبیب السیر، الشهداء، سیر العارفين، اخبار الاخیار، لطایف صوفیه، تاریخ فیروزشاهی، تاریخ مرآت سکندری، تاریخ نظامی، منتخب التواریخ و غیره<sup>۱</sup>.

۱. مرآ الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۹ ب

در این کتاب احوال بیش از پانصد صوفی و عارف بیان شده است. به عبارت دیگر این کتاب را می‌توان تاریخ کامل هزارساله عرفان و تصوف هند و ایران دانست که شامل ۲۳ طبقه است:

۱. طبقه اول: در بیان مجملی از احوال حضرت رسالت پناه و ذکر خلفاء الراشدین و تتمه عشره مبشره و غیره.
۲. طبقه دوم: در بیان مجملی از احوال اسدالله الغالب علی ابن ابی طالب و ذکر ائمه معصومین و غیره.
۳. طبقه سوم: مجملی از احوال خواجه حسن بصری و ذکر خواجه کمیل بن زیاد و غیره.
۴. طبقه چهارم: مجملی از احوال خواجه عبدالواجد بن زید و ذکر خواجه حبیب عجمی و غیره.
۵. طبقه پنجم: مجملی از احوال خواجه فضیل بن عیاض و ذکر سفیان ثوری و غیره.
۶. طبقه ششم: مجملی از احوال خواجه ابراهیم ادهم و ذکر خواجه معروف کرخی و غیره.
۷. طبقه هفتم: مجملی از احوال خواجه حذیفه مرعشی و ذکر خواجه ابویزید بسطامی و غیره.
۸. طبقه هشتم: مجملی از احوال خواجه هبیره بصری و ذکر خواجه سری سقطی و غیره.
۹. طبقه نهم: مجملی از احوال خواجه علو دینوری و ذکر خواجه جنید بغدادی و غیره.
۱۰. طبقه دهم: مجملی از احوال خواجه ابواسحاق چشتی و ذکر خواجه ابوبکر شبلی و غیره.
۱۱. طبقه یازدهم: مجملی از احوال خواجه ابواحمد چشتی و ذکر خواجه ابویعقوب و غیره.
۱۲. طبقه دوازدهم: مجملی از احوال خواجه ابو جهابو محمد چشتی و خواجه ابوالعباس نهاوندی و غیره.
۱۳. طبقه سیزدهم: مجملی از احوال خواجه ناصرالدین ابویوسف چشتی و ذکر خواجه ابوالعباس قصاب و غیره.
۱۴. طبقه چهاردهم: مجملی از احوال خواجه قطب‌الدین مودود چشتی و ذکر خواجه احمد مودود چشتی و غیره.
۱۵. طبقه پانزدهم: مجملی از احوال خواجه شریف زندنی و ذکر خواجه یوسف همدانی و غیره.

۱۶. طبقه شانزدهم: مجملی از احوال خواجه عثمان هارونی و ذکر حضرت میر سید عبدالقادر جیلانی وغیره.
۱۷. طبقه هفدهم: مجملی از احوال خواجه معین‌الدین چشتی و ذکر شیخ نجم‌الدین کبری وغیره.
۱۸. طبقه هژدهم: مجملی از احوال خواجه قطب‌الدین بختیار اوشی و ذکر شیخ بهاؤالدین زکریا ملتانی وغیره.
۱۹. طبقه نوزدهم: مجملی از احوال حضرت شیخ فریدالدین گنج شکر مسعود اجودهنی معه فرزندان و ذکر سلطان‌المشایخ وغیره.
۲۰. طبقه بیستم: مجملی از احوال شیخ علی صابر و ذکر شیخ نصیرالدین محمود اودهی وغیره.
۲۱. طبقه بیست و یکم: مجملی از احوال شیخ شمس‌الدین ترک پانی‌پتی و ذکر شیخ علاءالدوله سمنانی وغیره.
۲۲. طبقه بیست و دوم: مجملی از احوال شیخ جلال‌الحق و الدین پانی‌پتی و ذکر میر سید اشرف جهانگیر وغیره.
۲۳. طبقه بیست و سوم: مجملی از احوال مخدوم شیخ احمد عبدالحق ردولی معه فرزندان، و ذکر شیخ نور قطب عالم بنگالی وغیره<sup>۱</sup>.
- مؤلف درباره تذکره خود به‌عنوان مقدمه اطلاعات ارزشمندی را ارائه داده است: «در ذکر خرقه خلافت فقر و بیان چهار پیر و چهارده خانواده اصلی و دیگر خانوادهای فرع و بیان رجال‌الله غوث و قطب وغیره و مشرب صوفیه اهل صفا و مرتبه ولایت مقیده و مطلقه و هرجا که در این کتاب شیخ‌الاسلام واقع شود، مراد از آن خواجه عبدالله انصاری است؛ و هرجا که خواجه بزرگ واقع شود، مراد از آن خواجه معین‌الدین چشتی است؛ و هرجا که خواجه قطب‌الاسلام واقع شود. مراد از آن قطب‌الدین بختیار اوشی است؛ و هرجا که گنج شکر واقع شود، مراد از آن شیخ فریدالدین مسعود اجودهنی است؛ و هرجا که

۱. مرآ الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۱۵ ب.

سلطان المشایخ واقع شود، مراد از آن شیخ نظام‌الدین اولیا بدائونی است.<sup>۱</sup> صاحب الاسرار در مورد آغاز سلسله خلافت در تصوف چنین می‌نویسد: «ای عزیز در باب خرقه خلافت فقر جمیع ارباب تصوف متفق‌اند. چنانچه حضرت سلطان المشایخ شیخ نظام‌الدین اولیاء در راحت القلوب و سیر الاولیا از خواجگان چشت روایت کرده است که رسول صلی‌الله علیه وسلم در شب معراج خرقه از حضرت عزت یافته بود؛ چون از معراج بازگشت صحابه را طلبید و گفت که من خرقه یافته‌ام و مرا فرمان است که آن به یکی بدهم. بعده پیغمبر علیه السلام روی سوی ابوبکر رضی‌الله عنه کرد و فرمود اگر این خرقه به تو دهم چه کنی؟ گفت من صدق و رزم و طاعت کنم. بعده به عمر رضی‌الله عنه فرمود: اگر خرقه به تو دهم چه کنی؟ گفت عدل کنم و انصاف نگاه‌دارم. بعده به عثمان رضی‌الله عنه پرسید: اگر خرقه به تو دهم چه کنی گفت اتفاق کنم و سخاوت و رزم. بعده علی مرتضی کرم‌الله وجهه را پرسید اگر این خرقه به تو دهم چه کنی؟ گفت من پرده‌پوشی کنم و عیب بندگان خدای عزّوجل را بپوشم. پس پیغمبر علیه‌السلام خرقه به علی داد، کرم‌الله وجهه و فرمود مرا فرمان خدای عزّوجل چنین بود هرکه این جواب گوید به او بدهی. و روایت دیگر آن است که حضرت میر سید اشرف جهانگیر سمنانی قدس سره در لطایف اشرفی می‌فرماید که به اتفاق مشایخ رضوان‌الله علیهم جبرئیل جامه از خانقاه حضرت صمدیت آورده است و حضرت رسالت‌پناه به چهارپاره قسمت کرده قطعه‌ای به ابوبکر صدیق و قطعه‌ای به عمر ابن الخطاب و قطعه به عثمان بن عفان و قطعه‌ای به علی ابن ابی‌طالب رضی‌الله عنهم داده و وصیت کرده که محافظت کنید و در وقت حاجت بیارید. وی رسول صلی‌الله علیه وسلم آن جامه طلب فرمود از اصحاب مذکور سه‌کس رفتند و نیافتند. علی ابن ابی‌طالب هرچهار قطعه به خدمت حضرت رسالت‌پناه آورده و او فرمان شد که مبارک باد! بپوش و بپوشان»<sup>۲</sup>.

۱. مرآة الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۱۵ ب.

۲. همان، برگ ۱۶ الف و ۱۶ ب

### خانواده‌های اصلی و فرعی در سلسله‌های تصوف

بر اساس چهارده خانواده اصل و دیگر خانواده‌های فرعی به ترتیب عبارتند از:

اول خانواده زیدیان: منسوب‌اند به خواجه عبدالواحد بن زید و خواجه مذکور مرید و خلیفه خواجه حسن بصری بود.

دوم خانواده عیاضیان: می‌پیوندند به خواجه فضیل بن عیاض او خلیفه خواجه عبدالواحد بن زید بود.

سوم خانواده ادهمیان: که منسوب به خواجه ابراهیم بن ادهم است.

چهارم خانواده هبیریان: منسوب گشتند به خواجه هبیره بصری. خواجه مذکور مرید و خلیفه خواجه حذیفه مرعشی بود.

پنجم خانواده چشتیان: می‌پیوندند به خواجه علی دینوری و وی مرید و خلیفه خواجه هبیره بصری بود.

ششم خانواده عجمیان: می‌پیوندند به خواجه جنید عجمی و خواجه مذکور مرید و خلیفه عظیم القدر خواجه حسن بصری بود.

هفتم خانواده طیفوریان: می‌پیوندند به سلطان العارفین خواجه بایزید بسطامی. نام وی طیفور است.

هشتم خانواده کرخیان: می‌پیوندند به خواجه معروف کرخی وی از قدمای مشایخ است. کنیت وی ابو محفوظ است.

نهم خانواده سقطیان: می‌پیوندند به خواجه سری سقطی. او مرید و خلیفه خواجه معروف کرخی بود.

دهم خانواده جنیدیان: می‌پیوندند به سید الطایفه خواجه جنید بغدادی او مرید و خلیفه خواجه سری سقطی است.

یازدهم خانواده کازرونیان: می‌پیوندند به خواجه ابواسحاق کازرونی. خواجه مذکور امیر کازرون بود.

دوازدهم خانواده طوسیان: می‌پیوندند به خواجه شیخ علاءالدین طوسی. او از اکابر طوس بود.

سیزدهم خانواده سهروردیان: می‌پیوندند به شیخ ضیاءالدین ابونجیب سهروردی که

مرید و خلیفه شیخ وجدالدین ابو حفص بود.

چهاردهم خانواده فردوسیان: می‌پیوندند به شیخ نجم‌الدین کبری. وی از اکابر فردوس بود.<sup>۱</sup>

چشتی در ادامه خانواده‌های فرعی تصوف را چنین معرفی می‌کند:

«چهار پیر و چهارده خانواده اصل دیگر و چهل خانواده فرع از این چهارده استخراج شده‌اند. به سبب طول عبارت مفصل همه را ذکر نکرد. از آن جمله احوال دوازده خانواده که مشهور و معمول‌اند مجمل در این مختصر مندرج می‌سازد. علی هذا القیاس جمله چهل سلسله مذکور به چهارده می‌پیوندند، و چهارده به چهار می‌رسند و چهار به یک می‌پیوندند و آن یک به یک وصل می‌شود. احوال خانواده مذکور این است»<sup>۲</sup>:

اول خانواده قادریه غوثیه: مبداء این سلسله از حضرت غوث الاعظم میر سید محی‌الدین عبدالقادر جیلانی است. وی مرید و خلیفه شیخ ابوسعید المخزومی بود.

دوم خانواده بسویه: منشاء این سلسله از حضرت خواجه احمد یسوی سر ترکستان است. وی مرید و خلیفه خواجه یوسف همدانی است.

سوم خانواده نقشبندیه: ظهور این سلسله از حضرت خواجه بهاء‌الدین نقشبند و تابعان اوست. خواجه مذکور مرید و خلیفه امیر سید علی کلال است.

چهارم خانواده نوریه: منشاء خاندان نوریه از حضرت شیخ ابوالحسن نوری است. نام وی احمد بن محمد بود.

پنجم خانواده خسرویه: مبداء این سلسله از حضرت خواجه احمد خسرویه است. وی مرید و خلیفه حاتم الاصم بود.

ششم خانواده شطاریه عشقیه: منشاء این سلسله در هند از حضرت شیخ عبدالله شطار است. وی مرید و خلیفه شیخ محمد عارف بود.

هفتم خانواده حسینییه بخاریه: که به واسطه سادات می‌رسند در لطایف اشرفی

۱. مرآة الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۲۱ ب.

۲. همان، برگ ۲۲ ب.

می‌نویسد که منشاء جمیع فرقه صوفیه و مبناء همه سلاسل طایفه علیه حضرت علی ابن ابی طالب کرم الله وجهه است.

هشتم خانواده زاهدیه: منشاء این سلسله از خواجه بدرالدین زاهد است. وی مرید و خلیفه خواجه فخرالدین زاهد بود.

نهم خانواده انصاریه: مرجع این سلسله از حضرت شیخ السلام خواجه عبدالله انصاری است. پیر هرات قدس سره. وی مرید و خلیفه خواجه ابوالحسن خرقانی بود. دهم خانواده صفویه: منشاء این سلسله از شیخ صفی‌الدین اسحاق اردبیلی است. وی مرید و خلیفه و داماد شیخ زاهد ابراهیم گیلانی بود.

یازدهم خانواده عیدروسیه: منشاء این سلسله از میر سید عبدالله المکی العیدروسی است. وی مرید و خلیفه شیخ ابوبکر بود.

دوازدهم خانواده قلندریه: چند فرقه‌اند. از هر سلسله که خود را به مشرب قلندریه گردانیدند.<sup>۱</sup>

در کتاب «مرآ الاسرار» ذکر صوفیان هند از طبقه هفدهم آغاز می‌شود و تا طبقه بیست‌وسوم ادامه دارد. صوفیان هند که نام‌شان در این کتاب آمده چنین است:

خواجه معین‌الدین چشتی، حضرت خواجه قطب‌الدین بختیار اوشی، حضرت شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی، حضرت قاضی حمیدالدین ناگوری، حضرت شاه گردیز ملتانی، شیخ بدرالدین غزنوی، حضرت شیخ فریدالدین مسعود گنج‌شکر، حضرت سلطان‌المشایخ خواجه نظام‌الدین اولیاء، حضرت شیخ علاء‌الدین علی احمد صابر، حضرت شیخ نصیرالدین چراغ دهلی، حضرت مولانا وجیه‌الدین یوسف ثانی، حضرت امیر خسرو، امیرحسن سجزی، شیخ شرف‌الدین یحیی منیری، حضرت شاه شمس‌الدین ترک پانی‌پتی، خواجه بنده‌نواز سید محمد گیسودراز، حضرت میرسید علی بن شهاب‌الدین همدانی، حضرت شیخ جلال‌الدین پانی‌پتی، حضرت شیخ اشرف جهانگیر سمنانی، حضرت شیخ احمد عبدالحق ردولوی، شیخ نظام‌الدین جونپوری و غیره.

۱. مرآ الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۲۵ب.



صوفیا و عرفا همواره نقش مهمی در زندگی اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مردم ایفا کرده‌اند. آن‌ها همیشه برای دوستی و محبت بین مردم و فرقه‌های مختلف پیش‌قدم بوده‌اند. در ادبیات فارسی کتاب‌های زیادی درباره زندگی این عرفا و صوفیه نوشته شده است که مطالعه آن‌ها ما را با تعالیم اصلی صوفیه و دین اسلام آشنا می‌سازد.

### مؤلف مرآة الاسرار

شیخ عبدالرحمان چشتی صابری عباسی العلوی متعلق به سلسله چشتیه صابریه و خلیفه مجاز شیخ حمید بود که سلسله طریقتش به هفت واسطه به شیخ احمد عبدالحق ردولوی می‌رسد.<sup>۱</sup> پدرش عبدالرسول بن قاسم بن شاه در سال ۱۰۰۲ هجری در زمان پادشاه اکبر از شهر امیتهی دونگری به رسول‌پور، دهنتی در شهر لکهنو مهاجرت کرد.<sup>۲</sup> وی در زمان پادشاه جهانگیر و شاه جهان زندگی کرد. او چندی از دوران اورنگ‌زیب پادشاه را نیز به چشم دیده است.

شیخ عبدالرحمان چشتی صابری در سال ۱۰۰۵/هـ ۱۵۹۶م. در روستای دهنتی نزدیک ردولوی در شهر لکهنو ایالت اترپرادش چشم به جهان گشود و در سال ۱۰۹۴ق/ ۱۶۸۳م. در همان‌جا درگذشت.<sup>۳</sup> وی در چهارسالگی به خدمت حضرت شیخ محمد بن بندگی شیخ نظام‌الدین امیتهی رسید. وی به طور تبرک آیه بسم الله الرحمن الرحیم علم القرآن را به او تعلیم داد که تا سال‌ها اثرش در دل شیخ عبدالرحمن باقی بود. وی چندین سال ادبیات و علم معاش و سپاهی‌گری و آداب سلاطین آموخت و در عیش دنیاوی زندگی بسرکرد. در سن نوزده‌سالگی به طریق عشق مجازی طلب صادق در قلب وی نمودار شد، و این در زمان نورالدین جهانگیر بود. چهار پنج سال در لباس امرا ریاضات شاقه نمود به مشاغل تمام سلسله‌ها عمل نمود، و به تدریج عالم مثال به اطوار مختلف بر وی نمودار شد. در همان زمان با خلق نیز روابط برقرار بود تا جایی که در باطن او مشرب استقامت صوفیه یعنی شهود احدیت در کثرت حاصل شد. بعد

۱. مرآة الاسرار، شیخ عبدالرحمان، مترجم، مولانا الحاج کپتان واحد بخش سیال چشتی صابری، ص ۵.

۲. مرآة الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۵۱۳.

۳. همان.

از تمام علایق دنیوی چشم‌پوشی کرده لباس فقرا بر تن کرد و در گوشه تجرید نشست. هفت‌سال و چند ماه در متابعت خواجگان چشت راه سلوک را طی کرد بعد از آن تربیت مریدان به او محول شد. در رجب ۱۰۳۲ اوراد چشتیه را جمع‌آوری نمود و بعد از آن اسباب معیشت فراهم شد.<sup>۱</sup> وی قریشی هاشمی علوی بود، و آباء و اجداد او از مشایخ کبار شهر بودند و با شیخ حمید بیعت کرده بودند که از بزرگان شاه احمد عبدالحق ردولوی بود. وی اکثر در مجالس پادشاه جهانگیر و شاه جهان شرکت می‌کرد. شیخ عبدالرحمن چشتی چندین اثر از خود به یادگار گذاشته است، که عبارتند از: مرآت مداری، مرآت مسعودی، مرآت الحقایق، مرآت المخلوقات، اوراد چشتیه، و نفس رحمانی.<sup>۲</sup>

### ارزش و اهمیت مرآ الاسرار

این کتاب ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دیگر تذکره‌های صوفیه کرام ممتاز می‌کند:

۱. اولین ویژگی این کتاب وسعت مطالب آن است که تقریباً یازده قرن از تاریخ صوفیه را در بر می‌گیرد. هیچ کتاب دیگری این‌قدر زیاد توضیحات و تفصیلات ندارد. رساله قشیریه، کشف المحجوب، تذکر الاولیا، نفحات الانس و غیره فقط در برگیرنده یک زمان محدود به چند قرن است، ولی این کتاب احوال زندگی صوفیان کشورهای مختلف، ادوار مختلف، فرهنگ و تمدن‌ها و نژادهای مختلف را در بر می‌گیرد.<sup>۳</sup>
۲. دومین ویژگی این کتاب این است که زندگی عرفا را بر مبنای قرآن و حدیث سنجیده است و آنها را بر اساس زندگی حضرت محمد (ص) و قرآن مطالعه کرده است.
۳. سومین ویژگی کتاب این است که مؤلف نشان داده است که زندگی و تعلیمات این عرفا و صوفیان به عینه مطابق با تعلیمات اسلام و حضرت محمد (ص)، صحابه کرام، تابعین و تبع تابعین است و به هیچ وجه تفاوتی در آن دیده نمی‌شود.<sup>۴</sup>

- 
۱. مرآ الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۵۱۳.
  ۲. نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، توفیق سبحانی، ص ۴۸۳.
  ۳. مرآ الاسرار، شیخ عبدالرحمان، مترجم مولانا الحاج کپتان واحد بخش سیال چشتی صابری، ص ۲۳.
  ۴. همان.

۴. در این کتاب علاوه بر تذکره صوفیه در مورد تاریخ محل سکونت آنها نیز مختصراً گفتگو شده است. مثلاً تاریخ اجمیر در ضمن احوال خواجه معین‌الدین چشتی، تاریخ سند و ملتان در ضمن احوال شیخ بهاء‌الدین زکریا ملتانی. تاریخ دهلی در ضمن احوال حضرت خواجه نظام‌الدین اولیاء، و تاریخ کشمیر در ضمن احوال حضرت میرسید علی بن شهاب‌الدین همدانی؛ و تاریخ جونپور در ضمن حضرت شیخ اشرف جهانگیر سمنانی، و در این تذکره همچنین درباره سلاطین گجرات و مالوه سخن رفته است. مثلاً در ضمن تاریخ اجمیر به نقل از اخبارالاکخیار می‌نویسد که میر در زبان هندی به کوه می‌گویند. اولین دیوار هند بر کوه‌های اجمیر ساخته شد. اولین حوض در هند نیز در چهار کوه اجمیر ساخته شد، که هندوان آن را پرستش می‌کردند و شش روز در آنجا قیام می‌کردند و می‌گفتند که قیامت از همین حوض شروع خواهد شد.<sup>۱</sup> در ضمن تاریخ سند و ملتان می‌نویسد که اسلام برای اولین بار از طریق ملتان به هند وارد شد. در ضمن زندگی نظام‌الدین اولیاء درباره تاریخ دهلی می‌نویسد که زمانی که وی به دهلی رسید سلطان غیاث‌الدین بلبن سلطان بود. هفت سلطان در زمان او بر تخت سلطنت رسیدند که برخی معترف و برخی مخالف بودند.<sup>۲</sup> در ضمن تاریخ کشمیر می‌نویسد که تا چهارهزار سال راجاها بر این سرزمین حکومت می‌کردند، که احوال مفصل آنها در راج ترنگنی درج است که به فارسی هم ترجمه شده است. در ضمن تاریخ جونپور به نقل از تاریخ جهان‌آرا می‌نویسد که سلطان فیروزشاه بانی شهر جونپور است. وی در خواب دید که پسرعموی وی سلطان محمد تغلق ملک جونه را در خواب دید که شهری بنام من آبادکن و سلطان شهر جونپور را آباد کرد.

#### نسخه‌های خطی مرآة الاسرار

نسخ خطی کتاب مرآة الاسرار در کتابخانه‌های مختلف هند و خارج از هند محفوظ هست که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مرآة الاسرار، شیخ عبدالرحمان، نسخه کتابخانه خدا بخش، برگ ۲۸۰.

۲. همان، برگ ۳۷۹.

۱. در کتابخانه سالار جنگ، حیدرآباد دو نسخه از مرآ الاسرار به شماره‌های ۵۰۳ - ۵۰۴ موجود است. این هر دو نسخه اصلاً جز از مرآ الاسرار است که در دو مجلد کتابت شده است.

آغاز: «الحمد لله رب المشرق والمغرب... یعنی بگو ای محمد اگر هستی شما دوست دارنده خدا پس متابعت کنید مرا که الخ».

انجام: کی بود خود ز خود جدا مانده / من و تو رفته و خدا مانده  
تفصیلات نسخه به قرار زیر است:

شماره ۵۰۳: تعداد برگ ۱۷۹، شماره ۵۰۴: تعداد برگ ۱۸۵، سطور ۲۱، اندازه ۱۴ × ۳.۸ اینچ / ۳۶.۳ × ۲۱ سانت. خط: شکسته نستعلیق، نام کاتب شیخ محمدعلی بن شیخ محمد ابراهیم، تاریخ کتابت ۲۹ رمضان ۱۱۷۱ هـ / ۷ ژوئن ۱۷۵۸ قلعہ سعدنور در سرکار مدگل.

کاغذ: اروپایی، کیفیت کرم‌خورده ولی خوانا و قابل استفاده، در دو مجلد.

۲. در کتابخانه آسیایی بنگاله شهر کلکته در ایالت بنگاله غربی نیز یک نسخه خطی این اثر با شماره دی-۲۸۶ وجود دارد که حدود ۵۴۷ برگ دارد.  
خط: شکسته و سال کتابت ۱۰۸۸ هجری است.

۳. در کتابخانه خدابخش شهر پتنه در ایالت بهار نیز یک نسخه این اثر با شماره ۶۷۶ موجود است که ۶۴۷ برگ دارد. این نسخه خطی چند ویژگی دارد: این که به خط نستعلیق است و مطلاً و زرین است و عناوین به شنگرف نوشته شده که در شهر حیدرآباد به تاریخ ذی‌الحجه سنه ۱۲۲۰ هجری کتابت شده است. برگ: ۶۴۷، سطر: ۱۷، اندازه: ۱۱ × ۶.۵ است.

آغاز: الحمد لله رب المشرق والمغرب فاینما تولوا فثم وجه الله الخ؛

انجام: نسخه مرآ الاسرار تصنیف حضرت میان شیخ عبدالرحمن چشتی الله علیه: اختتام این کتاب فی التاریخ پانزدهم شهر ذی‌الحجه سنه یک‌هزار و دو صد و بیست هجری در بلده فرخنده بنیاد حیدرآباد به وقت ۳ پھر باتمام رسید. نوشته بماند سیاه بر سفید / نویسنده را نیست فردا امید.

۴. در کتابخانه رضا، در شهر رامپور در ایالت اترپردش نیز یک نسخه از این اثر با

- شماره ۲۳۴۷ محفوظ است که ۴۰۸ برگ دارد. این نسخه اطلاعات متعلق به نام کاتب، سنه کتابت و غیره را ندارد.
۵. در موزه بریتانیا در لندن نیز این اثر با شماره ۲۱۶ محفوظ است که ۵۱۰ برگ دارد. ویژگی‌های این نسخه خطی از این قرار است: به خط نستعلیق و زیبا است. برگ ۵۱۰، سطر ۲۳، بتاریخ جمادی سن ۱۱۸۹ کتابت شده.
- آغاز: الحمد لله رب المشرق والمغرب فاینما تولوا...
۶. در کتابخانه دانشگاه پنجاب لاهور، پاکستان نیز نسخه‌ای از این اثر با شماره ۲۴۴ موجود است که ۳۹۷ برگ دارد. خط: نستعلیق.
- آغاز: الحمد لله رب المشرق والمغرب فاینما تولوا فثم وجه الله...
۷. در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره هم نسخه‌ای از این اثر به شماره ۹۳۴/۲۹ موجود است. تاریخ کتابت آن ۱۲۵۳/هـ ۱۶۸۳ م. است. خط نستعلیق و تعداد برگ ۳۳۲ و تعداد سطر در هر صفحه ۱۹ است.
- آغاز: الحمد لله رب المشرق و المغرب فاینما تولوا فثم وجه الله...

### تراجم مرآة الاسرار

ترجمه‌های این کتاب به زبان اردو چندین بار در پاکستان و هند چاپ شده و به همین دلیل این کتاب در میان عرفا و اهل تصوف خیلی معروف است. یکی از ترجمه‌ها در مطبع ادبی دنیا در دهلی در سال ۲۰۰۵ چاپ شده است. مترجم آقای واحدبخش سیال چشتی صابری است. این ترجمه کامل است، و ۱۲۶۳ صفحه دارد، و ترجمه خیلی مهمی است. مترجم در این کار بسیار زحمت کشیده است.

ترجمه دیگر این کتاب در سال ۲۰۱۰ م به کوشش خواجه حسن نظامی ثانی در مطبع ایم آر پرنتر، دریاگنج، دهلی نیز به چاپ رسیده است که در آن خواجه حسن نظامی ثانی احوال مصنف این کتاب را با استفاده از منابع مختلف به تفصیل نگاهشته است. این ترجمه از باب هفدهم آغاز و تا باب بیست و سه به پایان می‌رسد.

## منابع

۱. فهرست مشروح فارسی در سالار جنگ میوزیم و کتبخانه، جلد دوم، سالار جنگ میوزیم، حیدرآباد، ۱۹۶۶م.
۲. فهرست نسخه عربی و فارسی در کتابخانه خدا بخش، جلد ۸، پتنه، ۱۹۲۵.
۳. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه رضا رامپور، جلد اول، رامپور، ۱۹۹۶م.
۴. فهرست میکروفیلم نسخه‌های خطی فارسی و عربی، کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه اسلامی علی‌گر، جلد اول، علی‌گر، ۲۰۰۰م.
۵. سید عارف نوشاهی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی موزه ملی پاکستان، کراچی، لاهور، ۱۹۸۳م.
۶. احمد منزوی، فهرستواره کتاب‌های فارسی، مجلد سوم، تهران، ۱۳۷۶ق.
۷. حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم، تهران، ۱۳۸۰ق.
۸. آفتاب اصغر، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور، ۱۹۸۵م.
۹. توفیق سبحانی، نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۷۷ق.
۱۰. سید علی رضا نقوی، تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۹۶۴م.
۱۱. شیخ عبدالرحمان، مرآ الاسرار، مترجم، مولانا الحاج کپتان واحد بخش سیال چشتی صابری، ادبی دنیا ۵۱۰، دهلی، ۲۰۰۵م.
12. Mirza Ashraf Ali, PersianBooks and Manuscripts, Asiatic Society of Bengal, Calcutta, 1890.
13. Rieu, Charles, Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum, Volume 1, London, 1879.
14. Muhammad Iqbal Mujaddid, Catalogue of Arabic, Persian and Urdu Manuscripts, Rot Graphs and Microfilms etc. Punjab University, Library, Lahore, 2015.
15. Nabi Hadi, Dictionary of Indo-Persian Literature, Indira Gandhi National Centre for the Arts, New Delhi, 1995.